

## تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی: شهرستان قائم شهر)

کامران صداقت، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت معلم تبریز

عقیل اسدیان، مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور قائم شهر\*

### چکیده

هدف از این مقاله، تعیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طلاق در شهرستان قائم شهر است. مبنای نظری تحقیق بر پایه تئوری‌های همسان-همسری، ناهمسان‌همسری، مبادله، شبکه و نظریه نقش‌ها استوار است. روش تحقیق مورد مطالعه پیمایشی و از نوع علی مقایسه‌ای است. در این مطالعه ۲۸۰ نفر برای نمونه تحقیق برگزیده شدند که از این تعداد ۱۸۰ نفر را افراد طلاق گرفته یا مطلقه و ۱۰۰ نفر را افراد غیرمطلقه تشکیل می‌دادند. نتایج به دست آمده نشان داد که عمده متغیرهای مستخرج از نظریه‌ها در تبیین عامل طلاق به عنوان عواملی تأثیرگذار مطرح گردیدند. به عبارت دیگر، با بررسی متغیرهای تأثیرگذار در دو گروه مورد بررسی، بدین نتیجه رسیدیم که توزیع این متغیرها در دو گروه از تفاوت معنی‌داری برخوردار است؛ به گونه‌ای که متغیرهای تفاوت تحصیلی، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید، دخالت دیگران و وضعیت شغلی شرایط را به گونه‌ای برای دو گروه فراهم آورده است که پدیده طلاق برای یک گروه و عدم رخداد این پدیده را برای گروه دیگر رقم بزند. ناگفته نماند علی‌رغم کنترل برخی متغیرها و همسان‌سازی دو گروه، نتایج نشان داد که متغیر تفاوت در محل تولد در مقایسه بین دو گروه، چندان عاملی تأثیرگذار جهت بروز طلاق نبوده است. همچنین، با استفاده از آزمون تحلیل ممیزی مشخص گردید بالاترین ضرایب متغیرهای پیش‌بین مؤثر بر متغیر وابسته که در معادله قرار گرفت؛ شامل متغیرهای تفاوت عقاید، وضعیت شغلی و تفاوت تحصیلی بوده است. واژه‌های کلیدی: طلاق، عوامل اجتماعی، دخالت اعضای خانواده، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید.

## مقدمه و بیان مسأله

یکی از مسائل اجتماعی که در زمان معاصر اهمیت فزاینده‌ای یافته و ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده، مسأله طلاق و به تبع آن فروپاشی زندگی خانوادگی است. خانواده از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. و به همین دلیل است که جامعه‌شناس و جامعه‌شناسی نتوانسته خود را از توجه و علاقه به مطالعه خانواده و تحولات موجود در آن برکنار نگه دارد و به همین جهت، به نحوی از انحاء با این پدیده شگرف زیستی اجتماعی برخورد داشته و از زاویه معین و دیدگاهی خاص به مطالعه و تبیین آن پرداخته است. علاوه بر این، همگان حول این نکته توافق دارند که هیچ عصری مثل عصر ما، بشر درگیر این مسأله و آثار سوء ناشی از آن نبوده است.

میزان ازدواج و طلاق ثبت شده در مرکز آمار ایران [۱] بیانگر این نکته است که در سال‌های اخیر رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است. به همین علت، این پدیده اجتماعی در جامعه ما به عنوان یک چالش یا معضل جدی اجتماعی مطرح شده است. اخوان تفتی (۱۳۸۴) در بررسی پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن در تهران، به این نتیجه رسید که آسیب‌پذیری زنان از پیامدهای اجتماعی طلاق بیشتر بوده است. همچنین، طلاق گر چه بر زنان و مردان تأثیر مشابهی می‌گذارد، اما نگرانی زنان از آینده اقتصادی خود در مورد فرزندان و گفته مردم بیشتر از مردان بوده است.

چرلین در طرح موضوع طلاق در دایره‌المعارف علوم اجتماعی، نقل قولی از ویلیام گود دارد که به موجب آن تمام سیستم‌های خانوادگی مسائل و موجباتی را برای رهایی افراد از فشارهای درون سیستم و خارج شدن از آن دارند و طلاق یکی از این وسایل و موجبات است. طلاق مسأله‌ای جهانی است، چرا که در کشورهایی نظیر آمریکا، آلمان، بریتانیا و به طور کل کشورهای غربی، آمارها نشان‌دهنده آن است که رشد بالای طلاق به بحرانی در این کشورها تبدیل شده است. چرلین معتقد است که توسعه اقتصادی - اجتماعی میزان

طلاق را در پاره‌ای از جوامع افزایش و در پاره‌ای دیگر کاهش داده است؛ چرا که در کشورهای صنعتی غرب میزان طلاق در مقایسه با قبل از انقلاب صنعتی افزایش یافته است (اسپکتور، ۱۹۸۵: ۲۰۸).

مروری بر آمار طلاق در کشور در طی سال ۱۳۹۰ (۶ درصد نسبت به سال قبل رشد طلاق در ایران) نشان‌دهنده روند رو به افزایش این معضل اجتماعی و همچنین، رشد فزاینده آن در منطقه مورد تحقیق (استان مازندران ۳ درصد و شهرستان قائم شهر ۴ درصد)<sup>۱</sup> بیانگر آن است که هر چه شهرها و روستاها مدرن تر شوند و ویژگی صنعتی بیشتری پیدا کنند، ضمن حل بسیاری از تضادهای جوامع پیشین، تعارض‌های جدیدی را خلق کرده است. تغییرات نوین اجتماعی بیشتر از آنکه در خدمت حفظ خانواده قرار گیرند، در جهت متلاشی شدن این نهادها قرار گرفته‌اند و این امر می‌تواند تأثیر عمیق در وضعیت سلامت افراد مطلقه، فرزندان و در نتیجه بر نهادهای اجتماعی داشته باشد و این خود نشان‌دهنده وضعیتی بحرانی است که ضرورت مطالعه برای پیشگیری و کاهش مهار طلاق را طلب می‌کند و نیز به علت اینکه تمامی آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند و گسترش یکی ممکن است به گسترش دیگری کمک کند و از طرفی، به این علت که خانواده‌های زیادی درگیر این مشکل هستند، در نتیجه، ضرورت مطالعه و تحقیق در حوزه‌های مختلف پدیده طلاق همواره و پیش از پیش ضروری و لازم به نظر می‌رسد و محقق امیدوار است که با بررسی برخی علل و عوامل مؤثر بر این پدیده رو به گسترش و تزايد، بتواند راه‌هایی مناسب برای مقابله و مهار آن پیشنهاد نماید.

رقم میانگین سالانه ۱۶ درصدی طلاق طی دهه ۱۳۹۰-۱۳۸۱، نشان از میزان بیشتر طلاق در شهرستان قائم‌شهر در مقایسه با کشور و حتی استان مازندران (جدول ۱)، سبب گردید تا محقق در مقاله حاضر بر آن باشد تا پاسخ مناسبی به

<sup>۱</sup> منبع: سالنامه آماری استان مازندران صص ۱۲۵-۱۲۴.

این سؤال دهد، که عمده‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در طلاق با توجه به منطقه مورد تحقیق چیست؟

جدول ۱- مقایسه آمار طلاق استان مازندران با میانگین کل کشور

سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۱			
سال	کل کشور	استان مازندران	شهرستان
۱۳۸۱	۱۰/۳	۹/۰۲	۱۰/۴
۱۳۸۲	۱۰/۶	۹/۱۵	۱۱/۵
۱۳۸۳	۱۰/۴	۸/۹	۱۲/۰۴
۱۳۸۴	۱۰/۶	۱۰/۴	۱۴/۵
۱۳۸۵	۱۱/۴	۱۱/۹	۱۲/۶
۱۳۸۶	۱۱/۸	۱۲/۴	۱۳/۲
۱۳۸۷	۱۲/۵	۱۳/۲	۱۶/۱
۱۳۸۸	۱۴/۱	۱۵/۷	۲۲/۰۶
۱۳۸۹	۱۵/۳	۱۷/۹	۲۴/۵
۱۳۹۰	۱۶/۳	۱۸/۵	۲۴/۱
میانگین	۱۲/۳۳	۱۲/۶	۱۶/۱۳

منبع: سالنامه‌های آماری کشوری و استانی مرکز آمار ایران: ۱۳۹۰-۱۳۸۱

متغیرهای دخالت دیگران در زندگی زوجین، میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر و میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق بر متغیر وابسته؛ یعنی میزان گرایش به طلاق تأثیرگذار بوده است. همچنین، برخی دیگر از نتایج این تحقیق حکایت از آن دارد که متغیرهای تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت عقاید همسران به شکل غیرمستقیم از طریق تأثیر بر میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر، بر میزان گرایش به طلاق مؤثر بوده‌اند.

قطبی و همکاران (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن» به ثبت رسانیده است که از مهمترین نتایج تحقیق می‌توان به ارتباط معنی‌دار بین بروز طلاق با متغیرهایی چون: دخالت دیگران در زندگی زوجین، عدم تفاهم، عدم توافق اخلاقی و عقیدتی زوجین، تفاوت سنی زوجین و بیماری‌های روانی اشاره کرد.

بخشی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد» انجام داده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که با بالا رفتن سن، میزان رضایت از زناشویی و میزان پرهیز فرد در روابط خود با جنس مخالف، نگرش به طلاق سخت‌گیرانه‌تر می‌شود و با افزایش سطح تحصیلات نگرش به طلاق سخن‌گیرانه‌تر می‌شود. همچنین، داده‌ها حاکی از آن بود که جنسیت با نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

شعبانی (۱۳۸۲) پژوهشی با نام «بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق و شناسایی عوامل اجتماعی در شهر تبریز» انجام داد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که بین تقاضای طلاق با اختلافات طبقاتی، اختلافات فرهنگی و آگاهی زن رابطه معناداری وجود ندارد، در حالی که تقاضای طلاق با دخالت دیگران، اعتیاد و الکلیسم و خشونت خانوادگی رابطه معناداری دارد.

ملفت (۱۳۸۱) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق در شهرستان داراب» انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد که اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سنی

### مروری بر مطالعات پیشین

روستا (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده در شهر شیراز» به ثبت رسانده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داده است متغیرهای برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر، عدم صداقت همسر و عدم مشورت در امر زندگی با میزان گرایش زنان به طلاق رابطه معنادار و مستقیمی دارند. برخی دیگر از نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که متغیرهای اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش به طلاق زنان ارتباط معنی‌دار و معکوسی دارند.

ریاحی و همکارانش (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق در شهرستان کرمانشاه» انجام داده‌اند. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد

افزایش میزان طلاق در کانادا را به دو دسته عمده عوامل فرهنگی و جمعیت‌شناختی تقسیم نمود که تشریح این عوامل بدین ترتیب است: فقدان الزام قانونی و فرهنگی برای طلاق، عدم پذیرش طلاق به عنوان لکه ننگ، وجود تمایلات فردگرایانه و سرباز زدن از مسؤولیت‌های خانوادگی، ازدواج در سنین پایین، فقر و درآمد کم، تحرک اجتماعی سریع، ازدواج مجدد، برقراری ارتباط جنسی با افراد ازدواج نکرده، نبود الزام قانونی در همبستری‌های قبل از ازدواج<sup>۳</sup> برای شروع زندگی مشترک به صورت قانونی، پرورش در خانواده طلاق.

ویلیام اچ دوهرتی<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان «چقدر طلاق رایج است و عوامل مؤثر بر آن چیست؟» عوامل مؤثر بر طلاق در آمریکا را این‌گونه برشمرد: ازدواج در سنین پایین، درآمد و تحصیلات پایین، هم‌بستری‌های قبل از ازدواج، بارداری قبل از ازدواج، عدم وابستگی مذهبی، عضو خانواده طلاق بودن و احساس ناامنی کردن. برخی دیگر از نتایج دیگر این تحقیق، این بوده که عمده‌ترین عوامل مؤثر بر طلاق را عدم تعهد زوجین، مجادله زیاد، خیانت<sup>۵</sup>، عدم تحقق انتظارات، نزاع بین زوجین، عدم برابری در روابط جنسی و سوء استفاده معرفی کرده است.

در پژوهشی که با عنوان «دلایل مردم برای طلاق: جنس، طبقه اجتماعی، مدت زندگی و سازگاری»، توسط آماتو و پرویتی<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) در سال‌های بین ۱۹۸۰-۱۹۹۷ مبنی بر پاسخ به سؤال باز که چرا ازدواجشان به طلاق انجامید، انجام گرفت، عمده‌ترین پاسخ گزارش شده، خیانت بوده است. به دنبال آن ناسازگاری، نوشیدن یا استفاده الکل قرار داشت. دلایل خاص افراد نیز برای طلاق، که عنوان این تحقیق برگرفته از آن بوده، عبارت بوده است از: جنس، طبقه اجتماعی و مدت زندگی افراد. نکته قابل توجه این بود که همسران در بروز طلاق، دیگری را مقصر می‌دانستند. همچنین، آنها ادعا می‌کردند که خانم‌ها بیشتر تمایل به طلاق

زوجین، تحصیلات زوجین و سن ازدواج با میزان گرایش به طلاق رابطه معنادار مستقیمی دارند. همچنین، تفاوت معناداری بین میزان گرایش به طلاق بر حسب رابطه خویشاوندی با همسر و محل تولد زن وجود دارد.

مطالعه کالمیجن و همکارانش (۲۰۰۴) در ارتباط با طلاق، نقش زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی را برجسته نشان داده است. نتایج این تحقیق نشان داده که اگر زنان به علت داشتن کار دارای درآمد باشند و نیز محل کارشان نیز برایشان جذاب و جالب توجه باشد، میزان طلاق نیز افزایش می‌یابد. همچنین، فرضیاتی که مربوط به زمینه‌های فرهنگی بودند نیز این نکته را با دلیل به اثبات رساندند که جدای از عوامل اقتصادی، طرفداری زنان از هنجارهای آزادی بخش به طور قابل توجهی میزان طلاق را افزایش می‌دهد. برخی دیگر از نتایج این تحقیق، حاکی از آن است که در حقیقت اعتبار تبیین‌کننده‌های اقتصادی در طلاق به واسطه ارزش‌های فرهنگی حاصل می‌گردد.

پولریک و ویلک<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «علل طلاق و جدایی و تأثیر آن بر بچه‌ها، زنان و مردان در استرالیا» با هدف بررسی شیوه نگرش به زندگی و ارتباط آن با طلاق دست به تحقیق زدند. داده‌های به دست آمده نشان داد که هدف از زندگی و نحوه نگرش افراد، نوع رفتار مرتبط با آن رفتار را در خانواده سازماندهی می‌کنند؛ به این معنا زوجینی که هدف از زندگی و نوع نگرششان به آن خود نگری (اولویت اول در خانواده به خود دادن) نباشد؛ از بر آورده ساختن انتظارات دیگران فاصله می‌گیرند و در نتیجه وضعیتی را رقم می‌زند که خواسته‌های دیگران در آن نادیده و یا کم دیده باقی می‌مانند و لذا شاهد میزان گرایش به طلاق خواهیم بود.

بر طبق مطالعاتی که آمبرت<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) طی سال‌ها مطالعه در زمینه طلاق و ازدواج انجام داده است، در کتابی با عنوان طلاق، تأثیرات، علل و پیامدهای آن، مهمترین عوامل مؤثر بر

<sup>3</sup> cohabitation

<sup>4</sup> William H. Doherty

<sup>5</sup> infidelity

<sup>6</sup> Amato & Previti

<sup>1</sup> Poleric & Weilok

<sup>2</sup> Ambert

دارند.

در نظر می‌گیرد و در آن افراد به اجرای نقش می‌پردازند. در این نظریه بیشتر واقعیت‌های اجتماعی را می‌توان همانند متن نمایشنامه‌ای تلقی کرد که در آن بسیاری از موقعیت‌ها هنجارهای موجود را تعیین می‌کنند که فرد باید چگونه رفتار کند (ترنر، ۱۳۷۸: ۲۶). اینکه چه نقش‌هایی را باید بر عهده بگیرد، بر اساس انتظاراتی است که افراد دیگر و جامعه از او دارند. با توجه به این نظریه، خانواده را هم می‌توان به عنوان یک صحنه نمایش در نظر گرفت که بازیگران اصلی آن زن و شوهر هستند و بر این اساس، جامعه از آنها انتظاراتی دارد (ملفت، ۱۳۸۱).

#### نظریه‌های ناهمسان و همسان همسری

به عقیده هیل<sup>۲</sup>، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن<sup>۳</sup> می‌گوید؛ انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد، در تمامی سنین در میدانی فراخ‌تر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند. به گمان لاک و برگس<sup>۴</sup>، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود<sup>۵</sup> در اثرش، معتقد است، هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. چنی و یامورا<sup>۶</sup> نیز بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۰-۶۰). در مقابل، در ناهمسان همسری وضعیت به گونه‌ای است که دو انسان با دو فرهنگ متفاوت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و

بلوس‌فلد و هوم<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) در تحقیقی با عنوان «علت و پیامدهای طلاق» در آمریکا اقدام به پژوهش نمودند. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که شبکه تعاملات فرد و نوع الگوی زندگی بر طلاق تأثیرگذار است؛ به این معنی چنانکه الگوی ارائه شده و موجود در شبکه‌ها در بر گیرنده فرد، زندگی همراه با خانواده و ازدواج به صورت قانونی را الگو قرار دهد و مطرح نماید، فرد در پی هم‌رنگی با شبکه، زندگی تنها به دور از مسئولیت خانواده را الگو قرار داده، میزان گرایش به طلاق و زندگی بدون ازدواج را به دنبال دارد و این مساوی با افزایش نرخ طلاق خواهد بود.

جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات داخلی سعی نموده‌اند واقعه طلاق را بیشتر توصیف نمایند و کمتر به دنبال تبیین جامعه‌شناختی آن به طور تحلیلی بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، عمده تحقیقات داخلی انجام گرفته فاقد یک چارچوب تئوریک مناسب بوده است. نکته دیگر این که اکثر این تحقیقات تقریباً علل مشابه و یکسانی را برای وقوع یا افزایش طلاق مطرح کرده‌اند. در خصوص جمع‌بندی تحقیقات خارجی نیز با توجه به فضای اجتماعی و فرهنگی خاص آن، می‌توان به عوامل مؤثر بر بروز طلاق به فقدان الزام قانونی و فرهنگی برای طلاق، خیانت، هم‌بستری‌های قبل از ازدواج و نداشتن هر گونه تعهد نسبت به همدیگر، وجود تمایلات فردگرایانه اشاره کرد. پژوهش حاضر در صدد است با استفاده از رویکرد علی-مقایسه‌ای در بین گروه‌های طلاق گرفته و طلاق نگرفته، عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر میزان وقوع طلاق را شناسایی و سپس با به کارگیری مبانی نظری مناسب، وقوع طلاق را به طور تحلیلی تبیین نماید.

#### چارچوب نظری

##### نظریه نقش‌ها

این نظریه دنیای اجتماعی را شبکه‌ای از موقعیت‌ها یا منزلت‌ها

<sup>2</sup> Hill

<sup>3</sup> Bowerman

<sup>4</sup> Lock & Burgess

<sup>5</sup> wood

<sup>6</sup> Cheny & Yamamura

<sup>1</sup> Blossfeld & Hoem

چون سازش فکری ندارند، عواطف آنان نیز رو به سردی می‌گذرد (اکرم، ۱۹۹۰: صص ۱۷-۲۰).

### نظریه شبکه

نظریه شبکه بر این دیدگاه است که نزدیکان و اقوام زوجین به عنوان شبکه‌های مرتبط و تأثیرگذاری هستند که می‌تواند رابطه زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهند. هر خانواده قسمتی از یک شبکه بزرگ خویشاوندی محسوب می‌شود که در تعامل با سایر افراد خانواده قرار دارد، اما این تعامل تغییر ماهیت داده، جایگزین آن مداخله نابجا می‌گردد. زمانی که زن و شوهر علاوه بر کانون زندگی خود، عضو شبکه‌ای از خانواده‌هایی با درجه و میزان در هم تنیدگی بالایی از روابط باشند، به نوعی در آن حل و هضم می‌گردند. در این شرایط تسلط شبکه بر ایشان نهادینه شده، ناخواسته رفتار و نحوه برخورد با دیگران و خصوصاً همسر را مطابق با الگوهای شبکه تنظیم می‌کنند. در این حالت، بروز رفتارهای عقلایی و همسرپسند را به شدت از دست خواهند داد. پیامد چنین وضعیتی به وجود آمدن وضعیت و فضای رنج‌آور و مجادله‌آمیز است؛ چرا که این اعمال نظر و دخالت، فضای روابط بین زن و شوهر را تیره کرده که این مسأله می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه انحلال نهاد خانواده را قریب‌الوقوع سازد (سگال، ۱۳۷۹: ۲۵۴).

### نظریه مبادله

یکی از نظریه‌پردازان این نظریه، هومنز<sup>۱</sup> است که بیشتر به مبادله بین دو نفر توجه دارد و معتقد است که اساس مبادله اجتماعی بر منفعت شخصی و ترکیبی از نیازهای اقتصادی و روانی استوار است. قضایای هومنز عبارتند از: ۱- قضیه موفقیت؛ ۲- قضیه محرک؛ ۳- قضیه ارزش؛ ۴- قضیه محرومیت - سیری؛ ۵- قضیه پرخاشگری - تأیید (ریترز، ۱۳۸۸: ۴۲۷). بر اساس این دیدگاه رابطه بین زن و شوهر یک مبادله

محسوب می‌شود، که از ابتدای زندگی شروع شده است. اگر حقوق متقابل آنان را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آنان بر محور مبادله متقابل جریان می‌یابد. به عبارتی دیگر، زمانی که یک شخص (زن یا شوهر) هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی می‌کند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور و نابرابری در مبادله می‌نگرد و در نهایت، به گسست روابط متقابل زوجین منجر می‌گردد.

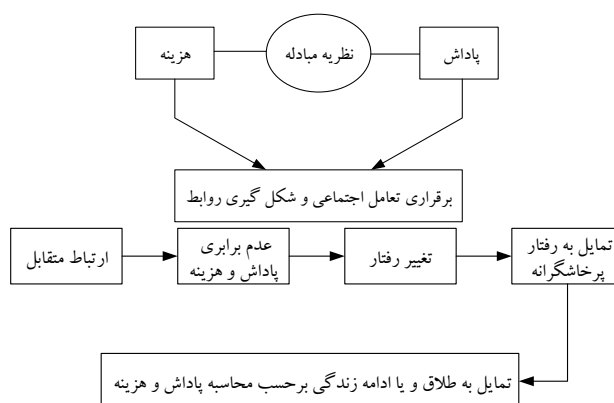
با توجه به مباحث مطرح شده، در این قسمت سعی می‌کنیم به نحو مطلوب‌تری مبانی نظری تحقیق را تبیین نماییم. اصل اساسی نظریه نقش‌ها این است که زن و شوهر با توجه به نقش‌هایی که دارند، انتظاراتی از همدیگر دارند. چنانچه آنها در برآورده شدن این انتظارات توفیقی نداشته باشند، احتمال مخدوش شدن روابط بین آنها پدید می‌آید و تداوم زندگی آنها را دچار تردید می‌نماید. همچنین، نظریه مبادله بر این پیش فرض پایه‌ریزی شده است که در روابط بین زوجین، هر یک از زوجین در ازای آنچه می‌گیرد، باید چیزی بدهد. در این صورت، بی‌توجهی به دیگری؛ یعنی محروم کردن وی از پاداش. با تکرار چنین وضعی فرد زیان‌دیده از آنجا که پاداش‌های متناسبی را مطابق انتظار خویش دریافت نکرده است، ابتدا سعی می‌کند شرایط را برای تحقق انتظارات خویش ایجاد نماید و روابط را ترمیم نماید، اما در صورت عدم موفقیت اقدام به کناره‌گیری از ادامه مبادله و در نهایت، تصمیم به جدایی و طلاق می‌گیرد. بنابراین، با توجه به دو نظریه نقش‌ها و مبادله رابطه بین برآورده نشدن انتظارات یکی از زوجین و گرفتن طلاق بررسی می‌شود.

پارسونز معتقد است برای آن‌که خانواده نقش مؤثری داشته باشد، باید نوعی تقسیم کار جنسی در آن برقرار باشد؛ بدین‌گونه که مردان باید نیروی محرک خانواده باشند و زنان نیز باید به وظیفه‌شان که امور داخلی خانواده و مراقبت از کودکان و بزرگسالان است، بپردازند. لذا باید سنگ صبور یعنی مهربان، پروراندنده و سرشار از عاطفه باشند. این

<sup>۱</sup> Homans

بود. همچنین، این نظریه‌پرداز معتقد است تداخل در نقش‌ها باعث اغتشاش در امور خانوادگی می‌شود؛ یعنی اینکه مردان نیز باید همان‌گونه که تأمین امور مالی خانواده را به عهده دارند، باید نیروی محرکه خانواده باشند و از نقش مهم خویش در خانواده غافل نگردند و باید در جهت‌گیری خانواده نقشی ویژه داشته باشند؛ چرا که در غیر این صورت ثبات نهاد خانواده را دچار اختلال خواهد نمود (ریتزر، ۱۳۸۸: ۶۱۳). بنابراین، یکی دیگر از اجزای مدل نظری این تحقیق بررسی رابطه بین وضعیت شغلی زوجین و طلاق است.

نظریه‌پرداز اعتقاد دارد چنانچه کارکردها و جهت‌گیری‌های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم گردند، رقابت میان آنها زندگی خانوادگی را مختل خواهد کرد و نقش تعیین‌کننده خانواده رنگ خواهد باخت. بنابراین، فرضاً اگر جنس زن به هر دلیلی اشتغال در محیط خارج از خانه را به وظیفه اصلی خود که همانا ایجاد نقش تربیتی و عاطفی باشد، ترجیح دهد؛ نتیجه‌ای جز نارسایی در ایفای نقش و به دنبال آن گسست روابط خانوادگی نخواهد داشت. لذا در این شرایط پدید آمدن اختلاف بین زوجین و حتی جدایی آنها از هم به عنوان ستون‌های اصلی ثبات خانواده چندان دور از ذهن نخواهد



شکل ۱- مدل تبیین طلاق با رویکرد نظریه مبادله

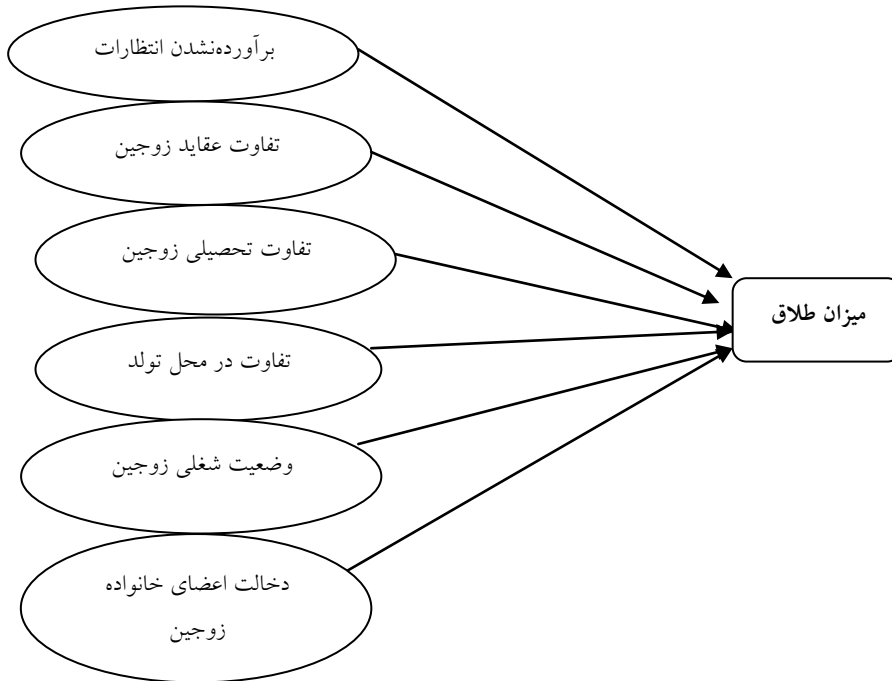
زوجین پرداخته می‌شود. نظریه ناهمسان همسری نیز ناهمسانی‌های میان دو همسر را سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی می‌داند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۰-۶۰). به عبارت دیگر، همسانی‌های مختلف، از قبیل: همسانی جغرافیایی، نژادی، سنی، اجتماعی، تحصیلی، ذهنی و معنوی را تداوم‌بخش یک زندگی سعادت‌مند ذکر می‌کنند. از این رو، سعی می‌شود به بررسی ارتباط دو متغیر تفاوت تحصیلی و تفاوت محل تولد با طلاق پی برده شود.

در نهایت، نظریه شبکه بر این دیدگاه است که قوی بودن شبکه خویشاوندی و دخالت دیگران در زندگی زوجین، می‌تواند از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین، سبب بروز اختلافات خانوادگی گردیده، احتمال جدایی و طلاق را

نظریه همسان‌همسری به زعم نظریه‌پردازانی، مثل: هیل، باورمن و چنی و یامورا، این‌گونه وقوع طلاق را تبیین می‌کنند که تا زمانی که دو همسر همسوگرا هستند، همانند یک مکمل یکدیگرند و رفتار و انتظارات هر دو تحت تأثیر مجموعه‌های ارزشی و هنجاری مشابه قرار می‌گیرد، اما از سوی دیگر در صورتی که دو همسر در شرایط ناهمسان و با دو فرهنگ یا ایده‌های متفاوت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، علی‌رغم نزدیکی، نوعی فاصله اجتماعی بین آنها به وجود می‌آید و سبب می‌شود که تداوم زندگی به گونه‌ای دیگر برای آنها رقم بخورد و حتی سبب متزلزل شدن نهاد خانواده گردد. با عنایت به این موضوع، در تحقیق حاضر به بررسی یکی دیگر از اجزای مدل نظری تحقیق؛ یعنی وجود تفاوت عقاید و جدایی

از نظریه همسان و ناهمسان‌همسری، نقش‌ها، نظریه مبادله، نظریه شبکه و دیدگاه پارسونز است.

افزایش دهد (سگالن، ۱۳۷۹: ۲۵۵-۲۵۴). به طور کلی، می‌توان این‌گونه اشاره کرد که چارچوب نظری مطالعه حاضر ترکیبی



شکل ۲- مدل نظری تحقیق

### عملیاتی آن

متغیرهای مستقل: تفاوت تحصیلی، تفاوت در محل تولد، تفاوت عقاید، دخالت دیگران به‌ویژه اعضای خانواده، میزان وضعیت شغلی نامناسب و برآورده نشدن انتظارات و متغیر وابسته: افراد طلاق گرفته و طلاق نگرفته.

عملیاتی کردن مفاهیم تفاوت تحصیلی، تفاوت در محل تولد اینگونه بود که در چند سؤال ملموس سنجش گردید، همچنین مفهوم وضعیت شغلی نامناسب بدین ترتیب بوده که میزان موارد شغلی بیکار بودن شوهر، دوشغله بودن شوهر، شاغل بودن زوجین، گرانباری شغلی زوجین سنجش گردید.

### فرضیه‌های تحقیق

۱. تفاوت بالای مدرک تحصیلی (تحصیلات) زوجین موجب طلاق می‌گردد.
۲. تفاوت در محل تولد زوجین موجب وقوع طلاق می‌شود.
۳. تفاوت عقاید زوجین موجب طلاق می‌شود.
۴. دخالت دیگران مخصوصاً اعضای خانواده زوجین موجب طلاق می‌شود.
۵. برآورده نشدن انتظارات موجب طلاق زوجین می‌شود.
۶. وضعیت شغلی زوجین موجب طلاق می‌شود.

معرفی متغیرهای تحقیق (مستقل، وابسته) و تعاریف



مفهوم	ابعاد	مؤلفه	معرف‌ها	گویه‌ها
تفاوت عقاید	رفتاری	- وضع ظاهری	- تعامل اجتماعی با دیگران	- هم عقیده بودن من و همسر در مورد رفتن به میهمانی .
			- اهمیت به مسائل مذهبی	- هم عقیده بودن من و همسر در مورد اهمیت به مسائل مذهبی.
عاطفی و تربیتی	- پرورشی	- تربیت و برخورد با فرزندان	- معاشرت با دوستان	- هم عقیده بودن من و همسر در مورد نحوه معاشرت با دوستان
			- روابط زناشویی (جنسی)	- هم عقیده بودن من و همسر در مورد شیوه پوشش و آرایش
روانی	همفکری	مشورت	- همسر در امور زندگی با من مشورت می‌کند.	
			عاطفی تربیتی	رعایت ادب دلسوزی
برآورده نشدن انتظارات	اخلاقی منزلی	نجابت علاقه‌مندی	- تفریح روی با خانواده	- همسر در تفریح با خانواده اهمیت قابل می‌شد.
			- بیماری داری	- همسر در مواقع بیماری از من مراقبت می‌کرد.
حسابگری	آینده‌نگری	داشتن حساب دخل و خرج	- تربیت فرزندان	- همسر نسبت به وظایف فرزندی توجه داشت.
			- احترام به همسر	- همسر احترام من را نگه می‌داشت.
تأییدی شناختی	ارزش‌گذاری	- برچسب زنی	- اینک اعضای اطرافیان زندگی‌تان را زندگی شکست خورده بدانند، در طلاق تأثیر داشت.	
			دخالته دیگران	- تخریبی
رفتاری	خوشبختی	- نمایش مهرورزی	- آشکار نمودن معایب	- اینک اعضای خانواده معایب همسران را برای شما آشکار کنند، تأثیرگذار در طلاق بوده است.

## روش‌شناسی

روش نوعی روش تحقیق کمی است که با مقایسه افرادی که واجد الگوی رفتاری یا ویژگی شخصی‌اند، با افراد فاقد آن ویژگی، در جستجوی کشف علل بالقوه و تأثیرات آنهاست

روش این تحقیق بنا به ماهیت و نوع موضوع مورد بررسی و محدودیت‌ها و امکانات از نوع علیّی مقایسه‌ای است. این

به فرد عادی را فراهم می‌نمود، تا فرد همسان در ویژگی‌های اشاره شده به فرد طلاق گرفته در مراجعه بعدی به همراه فرد مطلقه به دادگاه آمده تا زمینه انجام ارائه پرسشنامه هموار گردد، اما چنانچه فرد مطلقه از شناخت چنین فردی اظهار بی‌اطلاعی می‌نمود، از آنها تقاضا می‌شد تا کسی را که بیش از همه وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سن به آنها شبیه است، در مراجعه بعدی به این نهاد همراه خود بیاورند تا به عنوان فرد پاسخگو از گروه افراد غیرمطلقه در نظر گرفته شود. بدین صورت، دو گروه مطلقه و غیرمطلقه در اختیار محقق قرار گرفت که از بیشترین مشابهت برخوردار بودند. بنابراین، می‌توان به نوعی روش نمونه‌گیری در رابطه با انتخاب گروه افراد عادی و یا طلاق نگرفته این مطالعه را روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی تلقی نمود. همچنین، در گروه طلاق گرفته نیز شیوه نمونه‌گیری به کار گرفته شده، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس و از نوع هدفمند استفاده گردید، چرا که تمامی پاسخگویان (زن و مرد) طلاق گرفته بوده‌اند.

#### اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> وسیله اندازه‌گیری

برای بررسی اعتبار وسیله اندازه‌گیری، اعتبار محتوایی مدنظر بوده و برای بررسی پایایی گویه‌های موجود در وسیله اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ (با اجرای مطالعه اکتشافی به تعداد ۳۰ نفر) استفاده شده است. طبق اطلاعات جدول ۲ پایایی سؤال‌های مربوط به دخالت دیگران ۰/۷۸۱، برآورده نشدن انتظارات ۰/۹۱۶، تفاوت عقاید تأثیر وضعیت شغلی ۰/۷۲۵ به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که همه گویه‌های مرتبط با متغیرهای مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند، زیرا حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤال‌ها ۰/۷ است (قاضی طباطبائی، ۱۳۷۱: ۶۰).

نهایت امر اینکه پس از حصول اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری، پرسشنامه مقدماتی نهایی شده و توسط پرسشگران آموزش دیده از نمونه‌های منتخب تکمیل گردید.

(گال و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۵۶). روش مقایسه‌ای به این دلیل در مقاله حاضر استفاده گردید که با بررسی ویژگی‌های مشابه بین دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته، وجوه افتراق آنها را اندازه‌گیری کند و به بینشی درباره بروز پدیده طلاق دست یابد.

جامعه آماری مربوط به دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته شهرستان قائم‌شهر است. حجم نمونه این تحقیق مربوط به دو گروه افراد طلاق گرفته و طلاق نگرفته است. گروه اول شامل ۱۸۰ نفر از طلاق گرفته‌هایی می‌شد که حکم طلاق از سوی دادگاه شهرستان قائم‌شهر در سال ۱۳۹۰، برای آنها صادر شده بود. گروه دوم نیز با توجه به فرمول کوکران شامل ۱۰۰ نفر از افراد ازدواج کرده‌ای است که در حال زندگی کردن هستند و مشکلی به نام طلاق و جدا شدن از هم را ندارند.

حجم نمونه گروه طلاق گرفته با عنایت به اینکه تعداد افراد مطلقه کمتر از ۲۰۰ نفر بوده است، با توجه به جدول مورگان کل شماری شده است. همچنین، حجم نمونه افراد عادی یا طلاق نگرفته نیز بر اساس فرمول کوکران ذیل به دست آمده است.

$$N_1 = 180$$

$$N_2 = 100$$

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{1.96^2 \times 0.148 \times 0.852}{0.07^2} = 98.5 = 100$$

$$P = 0/148 \quad \text{افراد طلاق نگرفته} \quad q = 0/852$$

$$d = 0/07 \quad \text{مقدار خطا} \quad t = 1/96 \quad \text{سطح اطمینان}$$

به منظور مقایسه‌پذیر شدن جمعیت مطلقه با افراد عادی، همگن‌سازی دو نمونه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای نیل به این هدف، پس از مصاحبه با هر فرد طلاق گرفته، از وی سؤال می‌شد که آیا از افراد طلاق نگرفته فرد متأهلی را می‌شناسد که از نظر سن، محل سکونت، شرایط اجتماعی و اقتصادی با او مشابه باشند و در صورتی که چنین فردی را می‌شناختند، خود این فرد مطلقه زمینه را برای ارائه پاسخنامه

<sup>1</sup> Validity

<sup>2</sup> Reliability

افراد مورد مطالعه در این تحقیق دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته هستند؛ به طوری که از ۱۸۰ نفر از پاسخگویان طلاق گرفته، ۵۰ درصد از پاسخگویان زن و ۵۰ درصد مرد بودند و در گروه طلاق نگرفته نیز که ۱۰۰ نفر را شامل می‌شد، ۵۰ درصد از پاسخگویان زن و ۵۰ درصد مرد بودند.

بعد از اتمام گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل‌های توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی (آزمون *t-test*، تحلیل ممیزی و...) با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss صورت پذیرفت.

### یافته‌های توصیفی تحقیق

جدول ۲- پایایی سؤال‌های مربوط به متغیرهای مورد بررسی

ردیف	متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی
۱	دخالت دیگران	۷	۰/۷۸۱
۲	برآورده نشدن انتظارات	۱۴	۰/۹۱۶
۳	تفاوت عقاید	۱۴	۰/۸۷۴
۴	میزان وضعیت شغلی	۳	۰/۷۲۵

ندارد. میزان آشنایی قبل از ازدواج در گروه مطلقه ۴۳ درصد در سطح زیاد، ۲۶ درصد متوسط و ۳۱ درصد کم است. و در گروه مقابل، ۵۱ درصد در سطح زیاد، ۱۴ درصد متوسط، ۳۵ درصد در سطح کم است. به این ترتیب، می‌توان اظهار داشت که ارتباطی بین میزان آشنایی قبل از ازدواج و احتمال بروز طلاق وجود دارد.

برخی ویژگی‌های جمعیتی اجتماعی پاسخگویان، حاکی از آن است که محل تولد افراد مطلقه ۶۹ درصد یکسان و ۳۱ درصد متفاوت است، در حالی که این وضعیت در گروه مقابل، ۶۰ درصد یکسان و ۴۰ درصد متفاوت است؛ بدین معنا که میزان یکسانی از جهت شهری یا روستایی بودن محل تولد افراد طلاق گرفته بیش از افراد طلاق نگرفته است. به عبارتی، تفاوت در محل تولد چندان ارتباطی به بروز رخداد طلاق

جدول ۳- توزیع فراوانی نوع شغل مردان دو گروه مورد مطالعه

گروه‌های مورد مطالعه	بیکار	شغل آزاد	اداری	محصل	سرباز	مهندس یا دکتر	کل
طلاق نگرفته	۰	۳۰	۱۲	۲	۲	۴	۵۰
طلاق گرفته	۳	۶۳	۲۲	۲	۰	۰	۹۰
	۳/۳	۷۰	۲۴/۵	۲/۲	۰	۰	۱۰۰

جدول ۴- توزیع فراوانی نوع شغل مربوط به زنان دو گروه مورد مطالعه

گروه‌های مورد مطالعه	خانه‌دار	شغل آزاد	اداری	محصل	معلم	کل
طلاق نگرفته	۲۹	۰	۹	۹	۳	۵۰
طلاق گرفته	۵۸	۷	۱۰	۷	۳	۹۰
	۷۰	۷/۸	۱۱/۱	۷/۸	۳/۳	۱۰۰

همچنین، به طور مجمل می‌توان برخی دیگر از یافته‌های توصیفی را این‌گونه بیان نمود: وضعیت تحصیلی مردان طلاق نگرفته ۲۲ درصد سیکل و کمتر از آن، ۴ درصد دبیرستان، ۳۴ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۴۰ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس بوده که در مقایسه با وضعیت تحصیلی مردان طلاق گرفته ۴۳ درصد سیکل و کمتر از آن، ۴/۸ درصد دبیرستان، ۳۵/۶ درصد دیپلم و فوق دیپلم ۱۴/۴ درصد لیسانس، ۲/۲

درصد بالاتر از لیسانس را تشکیل می‌دادند. وضعیت تحصیل زنان طلاق نگرفته ۲۰ درصد سیکل و کمتر از آن، ۱۲ درصد دبیرستان، ۳۲ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۶ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس بوده‌اند که در مقایسه با وضعیت تحصیل زنان طلاق گرفته ۸/۹ درصد بیسواد و ابتدایی، ۲۳/۳ درصد سیکل، ۶/۷ درصد دبیرستان، ۴۵ درصد دیپلم و فوق دیپلم و ۱۶/۱ درصد لیسانس را تشکیل می‌دادند.

جدول ۵- توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل و فاصله‌ای تحقیق

متغیرها	نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	انحراف چارک			
						حداقل	حداکثر	چارک سوم	
برآورده نشدن انتظارات	طلاق گرفته	۱۸۰	۶۵/۷۸۵	۱۰/۹۶۱	-۱/۳۴	۲۲/۸۶	۸۰	۴۲/۶۱	۶۸/۵۷
	طلاق نگرفته	۱۰۰	۳۵/۷۳	۱۷/۵۱۶	۰/۴۱	۱/۴۳	۷۵/۷۱	۲۱/۴۲	۳۴/۲۸
تفاوت عقاید	طلاق گرفته	۱۸۰	۷۵/۶	۱۲/۷۱۷	-۰/۴۰۹	۳۸/۵۷	۱۰۰	۶۸/۵۷۱	۷۵/۷۱۴
	طلاق نگرفته	۱۰۰	۳۸/۶۵۱	۱۹/۲۱۶	۰/۶۳۷	۷/۱۴	۹۴/۲۹	۲۲/۸۵۷	۳۵/۷۱۴
دخاله دیگران	طلاق گرفته	۱۸۰	۴۶/۳۱	۲۰/۷۴۳	۰/۰۰۳	۰	۱۰۰	۳۱/۴۲۸	۴۵/۷۱۴
	طلاق نگرفته	۱۰۰	۳۷/۲۰۸	۲۰/۳۶۵	۰/۲۶۶	۲/۸۶	۸۵/۷۱	۱۷/۱۴۲	۳۵/۷۱۴
وضعیت شغلی	طلاق گرفته	۱۸۰	۶۱	۱۸/۶۰	-۰/۲۵۷	۶/۶۷	۱۰۰	۴۶/۶۶	۶۰
	طلاق نگرفته	۱۰۰	۲۷/۴	۱۵/۸۹	۰/۴۸	۰	۷۳/۳۳	۱۳/۳۳	۲۶/۶۶

نامناسب با آماره‌های موجود، در گروه طلاق گرفته بیش از گروه طلاق نگرفته است.

#### یافته‌های تحلیلی تحقیق

در این بخش برای بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های متناسب استفاده نموده‌ایم، بنابراین، جدول ۶ آزمون فرضیه اول تحقیق را مبنی بر اینکه تفاوت تحصیلی زوجین موجب طلاق می‌گردد، بررسی می‌کند.

اطلاعات جدول ۵ حکایت از آن دارد که متوسط میزان برآورده نشدن انتظارات در گروه طلاق گرفته برابر با ۶۵/۷۸ با انحراف استاندارد ۱۰/۹ و ضریب کجی ۱/۳ است که در مقایسه با گروه طلاق نگرفته با میانگین ۳۵/۷۳ با انحراف استاندارد ۱۷/۵۱ و ضریب کجی ۰/۴۱، بیانگر آن است که میزان برآورده نشدن انتظارات در گروه طلاق گرفته بیش از گروه دیگر است. همچنین، داده‌های جدول نشان می‌دهد که متوسط میزان تفاوت عقاید، دخالت دیگران و وضعیت شغلی

جدول ۶- رابطه بین تفاوت در مدرک تحصیلی زوجین و گرفتن طلاق

نتایج آزمون $\chi^2$	کل	طلاق نگرفته	طلاق گرفته	میزان طلاق	
				تفاوت در مدرک تحصیلی	محل تولد
	۱۲۱	۵۰	۷۱	فراوانی مشاهده شده	بدون تفاوت
	۱۲۱	۴۳/۴	۷۷/۶	فراوانی مورد انتظار	
	۴۳/۴	۵۰	۳۹/۷	درصد	
مقدار خیی دو (۱۶/۸۹)	۹۸	۴۲	۵۶	فراوانی مشاهده شده	تفاوت در یک مقطع
	۹۸	۳۵/۱	۶۲/۹	فراوانی مورد انتظار	
	۳۵/۱	۴۲	۳۱/۳	درصد	
سطح معنی داری (۰/۰۰۱)	۴۵	۶	۳۹	فراوانی مشاهده شده	تفاوت در دو مقطع
	۴۵	۱۶/۱	۲۸/۹	فراوانی مورد انتظار	
	۱۶/۱	۶	۲۱/۸	درصد	
مقدار ۷ کرامر (۰/۴۴)	۱۵	۲	۱۳	فراوانی مشاهده شده	تفاوت در سه مقطع
	۱۵	۵/۴	۹/۶	فراوانی مورد انتظار	
	۵/۴	۲	۷/۳	درصد	
	۲۷۹	۱۰۰	۱۷۹	فراوانی مشاهده شده	کل
	۲۷۹	۱۰۰	۱۷۹	فراوانی مورد انتظار	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

از آزمون ۷ کرامر استفاده کردیم که شدت آزمون برابر  $p=0/001$  است؛ بدین معنا که فرض تحقیق را مبنی بر اینکه تفاوت تحصیلی در زوجین عاملی است که موجب پدیده طلاق می‌شود، تأیید می‌نماید.

تفسیر: طبق معیار جدول ۶ مقدار خیی دو برابر ۱۶/۸۹ با سطح معنی داری  $p=0/001$  رابطه بین مدرک تحصیلی زوجین در دو گروه مورد مطالعه معنی دار به دست آمده است و از آنجا که جدول مربع بوده، برای تعیین شدت پیوستگی متغیرها

جدول ۷- رابطه بین تفاوت در محل تولد در دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

نتایج آزمون $\chi^2$	کل	طلاق نگرفته	طلاق گرفته	میزان طلاق	
				محل تولد	محل تولد
	۱۱۷	۴۷	۷۰	فراوانی مشاهده شده	هر دو شهری
	۱۱۷	۴۱/۸	۷۵/۲	فراوانی مورد انتظار	
	۴۱/۸	۴۷	۳۸/۹	درصد	
مقدار خیی دو (۲/۹۱)	۶۰	۲۲	۳۸	فراوانی مشاهده شده	هر دو روستایی
	۶۰	۲۱/۴	۳۸/۶	فراوانی مورد انتظار	
	۲۱/۴	۲۲	۲۱/۱	درصد	
	۵۲	۱۴	۳۸	فراوانی مشاهده شده	زن شهری
	۵۲	۱۸/۶	۳۳/۴	فراوانی مورد انتظار	مرد روستایی
	۱۸/۶	۱۴	۲۱/۱	درصد	
سطح معنی داری (۰/۴۰۵)	۵۱	۱۷	۳۴	فراوانی مشاهده شده	زن روستایی
	۵۱	۱۸/۲	۳۲/۸	فراوانی مورد انتظار	مرد شهری
	۱۸/۲	۱۷	۱۸/۹	درصد	
	۲۸۰	۱۰۰	۱۸۰	فراوانی مشاهده شده	کل
	۲۸۰	۱۰۰	۱۸۰	فراوانی مورد انتظار	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

سطح معنی‌داری به دست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ بوده، معنی‌دار نیست. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که تفاوت در محل تولد با میزان طلاق در دو گروه معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه مذکور تأیید نمی‌گردد.

جدول ۷ آزمون فرضیه دوم تحقیق را مبنی بر اینکه تفاوت در محل تولد زوجین موجب طلاق می‌گردد، بررسی می‌کند. طبق نتایج جدول مذکور مقدار  $\chi^2$  دو برابر ۲/۹۱ با سطح معنی‌داری  $P=0/45$  که این میزان بیانگر آن است که

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیه‌های سوم تا ششم

سطح معنی‌داری	DF	مقدار t	آزمون برابری واریانس‌ها		انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه‌ها	ترتیب فرضیه‌ها
			سطح معنی‌داری	F آزمون					
۰/۰۰۰	۲۶۷/۷۵	۱۹/۶۹	۰/۰۰۰	۱۵/۸۵	۰/۹۴۳	۲/۹۱	۱۰۰	طلاق نگرفته	تفاوت عقاید و بروز طلاق
					۰/۶۳۵	۴/۷۸	۱۸۰	طلاق گرفته	
۰/۰۰۱	۲۷۷	۳/۴۸	۰/۵۳۶	۰/۳۸۴	۱/۰۳۳	۲/۸۸	۱۰۰	طلاق نگرفته	دخالت دیگران و بروز طلاق
					۱/۳۶	۳/۳۹	۱۷۹	طلاق گرفته	
۰/۰۰۰	۲۷۲/۸۴	۱۷/۹۳	۰/۰۰۰	۳۰/۹۴	۰/۸۶	۲/۷۷	۱۰۰	طلاق نگرفته	برآوردن انتظارات و بروز طلاق
					۰/۵۴۸	۴/۲۸	۱۸۰	طلاق گرفته	
۰/۰۰۰	۲۷۷	۱۵/۹	۰/۰۵	۳/۶۴	۰/۷۹۴	۲/۳۷	۱۰۰	طلاق نگرفته	وضعیت شغلی و بروز طلاق
					۰/۹۳	۴/۰۵	۱۷۹	طلاق گرفته	

دست آمده و چون واریانس‌ها برابر هستند، پس  $t$  با واریانس برابر را گزارش می‌کنیم که مقدار  $t=3/48$  با سطح معنی‌داری  $P=0/001$  به دست آمده و چون سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین، میزان دخالت دیگران در زندگی پاسخگویان طلاق گرفته و نگرفته معنی‌دار است. لذا فرضیه فوق نیز تأیید می‌گردد.

همچنین، جدول ۸ نتایج آزمون مرتبط با آزمون فرضیه پنجم تحقیق را، مبنی بر اینکه برآورده نشدن انتظارات موجب طلاق می‌گردد، این‌گونه به تصویر کشیده که برابری واریانس‌ها  $F=30/9$  با سطح معنی‌داری  $P=0/000$  محاسبه گردیده که نشان می‌دهد واریانس میزان برآورده نشدن انتظارات زوجین در دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته متفاوت است. بنابراین، از  $t$  با واریانس نابرابر استفاده می‌کنیم

تفسیر نتایج آزمون‌های فرضیه‌های سوم تا ششم: داده‌های جدول ۸ در مورد نتایج آزمون فرضیه سوم تحقیق مبنی بر اینکه تفاوت عقاید زوجین موجب طلاق می‌گردد، حاکی از آن است که مقدار  $t$  برابر ۱۹/۶۹ با سطح معنی‌داری  $P=0/000$  به دست آمده است. این میزان بیانگر آن است که میزان تفاوت عقاید زوج‌ها در دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته مورد مطالعه متفاوت است و این میزان در پاسخگویانی که طلاق گرفته‌اند، بیشتر از گروه دیگر است؛ بدین ترتیب، فرضیه فوق تأیید می‌گردد. در ادامه، داده‌های جدول در مورد نتایج آزمون فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر اینکه دخالت دیگران در زندگی زوجین موجب طلاق می‌گردد، مربوط است و بیانگر آن است که آزمون برابری واریانس‌ها مقدار  $F=0/38$  با سطح معنی‌داری  $P=0/53$  به

### تحلیل ممیزی برای پیش‌بینی عضویت در دو گروه مورد مطالعه از روی متغیرهای مستقل پژوهش

با استفاده از تحلیل ممیزی انجام شده عضویت در گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تفاوت در محل تولد، تفاوت تحصیلی، تفاوت در محل تولد زوجین، برآورده نشدن انتظارات و به عنوان متغیر مستقل تبیین شدند که در مجموع ۱۹۷ نفر تحلیل شده‌اند که با توجه به جدول ۹ ملاحظه می‌شود که همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته طبق ضریب کانونی برابر با ۰/۸۴۶ است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

که مقدار  $t$  برابر ۱۷/۹ با سطح معنی‌داری  $P=0/000$  به دست آمده و نشان می‌دهد که میزان برآورده نشدن انتظارات زوجین در دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته مورد مطالعه متفاوت است. و در نهایت نیز جدول مذکور داده‌های مربوط به نتایج آزمون فرضیه ششم تحقیق مبنی بر اینکه وضعیت شغلی زوجین موجب طلاق می‌گردد، را نشان می‌دهد که بر طبق آن مقدار  $t$  برابر ۱۵/۹ با سطح معنی‌داری  $P=0/000$  به دست آمده است. این میزان بیانگر آن است که میزان تأثیر وضعیت شغلی در میزان طلاق پاسخگویان معنی‌دار است و پاسخگویانی که طلاق گرفته‌اند، وضعیت شغلی نامناسب‌تری نسبت به گروه دیگر دارا هستند. بنابراین، این فرضیه تحقیق نیز تأیید می‌گردد.

جدول ۹- همبستگی ضریب کانونی متغیر وابسته با متغیرهای مستقل

ضریب همبستگی و کانونی	درصد تجمعی	درصد واریانس	مقدار ویژه	مدل
۰/۸۴۶	٪۱۰۰	٪۱۰۰	۵۲۰/۲	۱

نتیجه می‌شود تابع تحلیل ممیزی معتبر است. به عبارت دیگر، می‌توان از پیش‌بینی آن استفاده کرد.

جدول ۱۰ نشان می‌دهد که مطابق با آزمون ویکلز لامبدا که برابر ۰/۲۸ با سطح معناداری  $p=0/000$  به دست آمده،

جدول ۱۰- ویکلز لامبدا

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار $\chi^2$ دو	ویکلز لامبدا	آزمون مدل
۰/۰۰۰	۹	۲۳۹/۷۳	۰/۲۸۴	۱

دسته‌بندی شده‌اند که در مجموع از روی متغیرهای مستقل ذکر شده در مطالب فوق تا حدود ۹۴/۹٪ می‌توان پیش‌بینی درستی در مورد میزان طلاق پاسخگویان ارائه داد.

طبق اطلاعات جدول ۱۱ و طبق جدول طبقه‌بندی گروه‌ها ملاحظه می‌شود ۹۷٪ از پاسخگویان طلاق نگرفته و ۹۲/۸٪ از پاسخگویان طلاق گرفته به درستی طبقه‌بندی و

جدول ۱۱- پیش‌بینی صحیح عضویت در گروه

اصلی	مشاهده شده	پیش‌بینی عضویت در گروه		
		آیا طلاق گرفته اید؟	طلاق نگرفته	طلاق گرفته
۱۰۰	۳	۹۷	۳	کل
۹۷	۹۰	۷	۹۰	طلاق نگرفته
۱۰۰	۳	۹۷	۳	طلاق گرفته
۹۷	۹۲/۸	۷/۲	۹۲/۸	طلاق گرفته

جدول ۱۲- ضرایب متغیرها در معادله تابع ممیز

متغیر	ضرایب متغیرها در معادله تابع ممیز
تفاوت در تحصیل	0/133
تفاوت در محل تولد	-0/148
دخالت دیگران	-۰/۰۳۷
وضعیت شغلی	۰/۶۲۶
برآورده نشدن انتظارات	-۰/۰۷۴
تفاوت عقاید	۰/۸۳۲

با توجه به داده‌های جدول ۱۲ ضرایب متغیرهای پیش‌بین که در معادله قرار می‌گیرد و همچنین، مقدار ثابت معادله،

معادله تابع تشخیص را به شرح زیر می‌توان نوشت:

$$D = -28/53 = \text{مقدار ثابت گروه طلاق نگرفته}$$

$$D = -17/52 = \text{مقدار ثابت گروه طلاق گرفته}$$

$$D = (-28/53) - 0/148 (\text{تفاوت در تحصیل}) + 0/133 (\text{تفاوت در محل تولد}) + 0/037 (\text{دخالت دیگران}) - 0/074 (\text{وضعیت شغلی}) + 0/626 (\text{تفاوت در عقاید}) + 0/832 (\text{برآورده نشدن انتظارات})$$

$$D = (-17/52) - 0/148 (\text{تفاوت در تحصیل}) + 0/133 (\text{تفاوت در محل تولد}) + 0/037 (\text{دخالت دیگران}) - 0/074 (\text{وضعیت شغلی}) + 0/626 (\text{تفاوت در عقاید}) + 0/832 (\text{برآورده نشدن انتظارات})$$

$$D = (-17/52) - 0/148 (\text{تفاوت در تحصیل}) + 0/133 (\text{تفاوت در محل تولد}) + 0/037 (\text{دخالت دیگران}) - 0/074 (\text{وضعیت شغلی}) + 0/626 (\text{تفاوت در عقاید}) + 0/832 (\text{برآورده نشدن انتظارات})$$

$$D = (-17/52) - 0/148 (\text{تفاوت در تحصیل}) + 0/133 (\text{تفاوت در محل تولد}) + 0/037 (\text{دخالت دیگران}) - 0/074 (\text{وضعیت شغلی}) + 0/626 (\text{تفاوت در عقاید}) + 0/832 (\text{برآورده نشدن انتظارات})$$

۰/۸۴ به دست آمد. با مقدار آزمون ویکلزلامبدا که برابر با ۰/۲۸ با سطح معنی‌داری  $p=0/000$  به دست آمد، این نتیجه حاصل شد که تابع تحلیل ممیز معتبر است و به عبارتی، می‌توان از پیش‌بینی آن استفاده نمود. همچنین، این آزمون مشخص نمود که بالاترین ضرایب متغیرهای پیش‌بین مؤثر بر متغیر وابسته شامل متغیرهای تفاوت عقاید، وضعیت شغلی و تفاوت تحصیلی بوده است.

همان‌طور که در ابتدای مقاله عنوان شد، مقاله حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی به توصیف و تبیین عوامل اجتماعی مرتبط با میزان افزایش طلاق می‌پردازد. بنابراین، از نظریه‌ها و تحقیقات پیشین گوناگونی جهت تبیین موضوع مذکور استفاده گردید.

تأکید محوری دیدگاه هومنز و نظریه مبادله در سودانگاری قرار دارد و رفتار بشر را محصول پیگیری منافع شخصی در نظر می‌گیرد. بر این اساس، زمانی که یک شخص

در معادله فوق به ترتیب نمره متغیرهای تفاوت عقاید، وضعیت شغلی، تفاوت تحصیلی بالاترین وزن را در پیش‌بینی نشان می‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

ماحصل تحلیل آزمون‌های استنباطی پژوهش بدین ترتیب بوده که متغیرهای تفاوت تحصیلی، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید، دخالت دیگران و وضعیت شغلی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در بروز طلاق شناخته شدند. به عبارت دیگر، فرضیه‌های مذکور بر اساس پیش‌فرض‌های تحقیق تأیید شدند. نکته جالب توجه اینکه متغیر تفاوت در محل تولد بر خلاف پیش‌فرض اولیه تحقیق تأثیری در وقوع طلاق نداشته است. در ادامه، از آزمون تحلیل ممیزی استفاده شد که بر طبق آن در مجموع ۱۹۷ نفر در تحلیل وارد شدند و همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با وابسته طبق ضریب کانونی برابر



امکان وجود دارد که در تحقیقات آتی محققان این فرض تحقیق، نظریه فوق را تأیید و به عنوان عامل تأثیرگذار در طلاق معرفی نمایند. بدین ترتیب، این یافته از تحقیق، قابل کاربرد و تعمیم به دیگر مناطق نخواهد بود. ناگفته نماند این یافته با نتایج تحقیقات ملتفت (۱۳۸۱) و سپهریان (۱۳۸۵) متفاوت بوده است.

برخی دیگر از نتایج تحقیق، حاکی از آن است که تفاوت تحصیلی با وقوع طلاق ارتباط معنی‌داری دارد. این یافته، نظریه همسان‌مسنی و تحقیق ملتفت (۱۳۸۱) را تأیید نموده و از سویی دیگر با نتیجه تحقیق روستا (۱۳۸۹) متفاوت است. در نهایت، این نتیجه از یافته‌های پژوهش حاصل شد که وجود برخی تفاوت‌ها، از قبیل تفاوت عقاید زوجین زمینه را برای بروز طلاق مهیا می‌سازد. این نتیجه، نظریه همسان‌مسنی را تأیید کرد؛ چرا که این نظریه همسانی‌های فکری و عقیدتی بین زوجین را لازمه بقا و تداوم زندگی فرض می‌کند و بالعکس، وجود برخی ناهمسانی‌های اینچنینی بین زوجین را، باعث اختلال و گسست روابط در زندگی تلقی نموده که بتدریج زمینه را برای وقوع طلاق فراهم می‌آورد. این یافته با نتایج تحقیقات ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، قطبی و همکاران (۱۳۸۶)، شعبانی (۱۳۸۲) و آمانو (۲۰۰۳) همسان است. بنابراین، موارد یاد شده قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه است.

در نهایت، بر اساس مطالب نظری و تجربی تأیید شده، برخی پیشنهادها در راستای پیشگیری از طلاق و پیامدهای ناشی از آن قابل طرح است.

۱. در تصمیم‌گیری به ازدواج و انتخاب همسر، نباید دو مقوله ارشاد و راهنمایی را با دخالت‌های بیجا اشتباه گرفت؛ لازم است در عین ارشاد و راهنمایی جوانان اولویت در انتخاب همسر به جوانان داده شود. همچنین، در ازدواج‌های سنین پایین که جوانان در انتخاب همسر به رشد فکری و قدرت تصمیم‌گیری نرسیده‌اند، پیشنهاد می‌شود از ازدواج در سنین پایین جلوگیری شود.

(زن یا شوهر) هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی می‌کند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند در این حالت چنین شخصی رابطه مذکور را نابرابر فرض نموده، امید خویش را در برآورده شدن انتظاراتی که از طرف مقابل خویش دارد؛ از دست خواهد داد و در نتیجه شاهد گسست روابط متقابل این دسته از زوجین و در نهایت بروز پدیده طلاق خواهیم بود. یافته‌های این پژوهش، مطابق نظریه مذکور نشان می‌دهد که همسرانی که نتوانسته‌اند انتظارات طرف مقابلشان را محقق سازند، موجب بروز پدیده طلاق می‌گردند. این یافته در پژوهش‌های پیشین روستا (۱۳۸۹)، ریاحی (۱۳۸۶)، حامد بخشی (۱۳۸۳)، پولریک و ویلک (۲۰۰۴) و ویلیام اچ دوهرتی (۲۰۰۷) نیز تأیید شده است. با این اوصاف، می‌توان ادعان نمود که نظریه مبادله و نتایج تحقیقات مذکور قابل کاربرد در جامعه مورد مطالعه است.

بر اساس نظریه شبکه متشکل از نظریات پارسونز و بات، قوی بودن شبکه خویشاوندی و دخالت دیگران در زندگی زوجین، می‌تواند از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین، سبب بروز اختلافات خانوادگی گردیده، احتمال جدایی و طلاق را افزایش دهد. این یافته نظری با نتیجه تحقیق حاضر - که اعمال نظر، سلطه و دخالت دیگران، موجب بروز پدیده طلاق می‌شود - و تحقیقات ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، قطبی و همکاران (۱۳۸۶)، شعبانی (۱۳۸۲) و بلوس فلد هوم (۲۰۰۴) تأیید شده است.

از نتایج جالب توجه تحقیق حاضر، عدم رابطه بین تفاوت در محل تولد زوجین و افزایش میزان طلاق بوده است. این یافته به عکس انتظار و پیش فرض تحقیق بوده، چرا که انتظار می‌رفت تفاوت در محل تولد، میزان طلاق را افزایش دهد. به عبارت دیگر، این یافته تحقیق، نظریه «تحرك مکانی» شلتون را تأیید نکرده و به عبارتی، این فرض تحقیق را به عنوان عامل تأثیرگذار در بروز طلاق رد می‌کند. علت این امر را می‌توان در تأثیرگذاری بیشتر و مهمتر دیگر متغیرها و عوامل در بروز طلاق در منطقه مورد تحقیق دانست و این

## منابع

۲. از آنجا که انتظارات و برآورده ساختن آن عامل بسیار مهمی در زندگی زناشویی است و در تحقیق حاضر نیز ماهیت تأثیرگذاری آن تأیید شد، لذا پیشنهاد می‌شود که در ضمن انجام مراحل مقدماتی ازدواج (از قبیل آزمایش‌های پزشکی، مشاوره پزشکی و امورثبتی) یک کارگاه آموزشی برای شناخت انتظارات و نحوه برآورده ساختن آن برای متقاضیان، بسان ازدواج در حد مطلوب توسط کارشناسان مسائل خانواده برگزار شود. در این راستا، پیشنهاد ثانی بدین‌گونه مطرح می‌گردد که مسؤلیت این امر نیز می‌تواند ارگان بهزیستی به عنوان متولی بهتر زیستن و نهادهایی از قبیل نهاد هلال احمر باشند که این امر خود گام بسیار مهم و مؤثری در ارتقای آگاهی و مهارت‌های زندگی باشد و به تبع از مسائلی که در آینده می‌تواند پیش بیاید جلوگیری کند و این خود در کاهش میزان طلاق می‌تواند بسیار سودمند افتد.
۳. نتایج بسیاری از تحقیقات بیانگر این نکته مهم است که بسیاری از ازدواج‌های ناموفقی که در جامعه ما صورت می‌گیرد؛ به علت ازدواج دو فرد ناهمسان بوده است. اینکه فرضاً بسیاری از دختران تحصیل کرده به ازدواج با پسران نه چندان موفق در زمینه تحصیل تن در داده و همواره تفاوت‌های تحصیلی محسوسی را از این حیث شاهد هستیم. پیشنهاد می‌گردد که از برپایی چنین ازدواج‌هایی جلوگیری شود تا شاهد شکل‌گیری تفاوت عقاید، جهان بینی‌های متفاوت و مسائلی از این دست بین زوجین نباشیم.
- پی‌نوشت**
- [۱] برای مثال، در کشور ما بترتیب در سال ۹۱ و ۹۰ میزان واقعه ازدواج ۸۷۴۷۹۲ و ۸۹۱۶۲۷ مورد و میزان واقعه طلاق نیز در همین سال‌ها بترتیب ۱۴۲۸۴۱ و ۱۳۷۲۰۰ مورد بوده است، که با در نظر گرفتن هر دو واقعه، میزان رشد طلاق در حدود ۶ درصد بیش از رشد ازدواج بوده است (سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران، صص ۲۰۰-۱۵۰).
- اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۴). «پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن»، *مطالعات زنان*، ش(۳)، صص ۱۲۵-۱۵۲.
- بخشی، حامد. (۱۳۸۳). *نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن* در شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، رشته جامعه‌شناسی.
- ترنر، جاناتان اچ. (۱۳۷۸). *ساخت نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید، چاپ ششم.
- حقانی زنجانی، حسین. (۱۳۸۶). *طلاق یا فاجعه انحلال خانواده*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- روستا، لهراسب. (۱۳۸۹). «بررسی علل اجتماعی گرایش طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز»، *فصلنامه زن و جامعه*، سال اول، شماره سوم، صص ۷۷-۱۰۴.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی‌وردی‌نیا، اکبر و بهرامی‌کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق»، *پژوهش زنان*، دوره ۵، ش ۳، ۱۰۹-۱۴۰.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گال، مردیت و دیگران. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه: احمد رضا نصر و دیگران، تهران: سمت جلد ۱.
- جی‌گود، ویلیام. (۱۳۷۸). *خانواده و جامعه*، ترجمه: ویدا صالحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- سرمد، زهره و دیگران. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات آگاه.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- Ackerman, N. W. (1990) *The Psychodynamics of family life*, New York, Norton, vol. 23; PP 17-20.
- Amato, R. P. & Raverty, D. (2003) "People's Reasons For Divorcing: Gender", *Social Class, the Life Course, And Adjustment, Journal of Family Issues*, Vol.24.No.5, PP 602-626
- Ambert, Anne, Marie. (2009) *divorce: Facts, Cause & Consequence*, York University, 3rd: Edition: The Vanier institute of the Family PP 1-33.
- Ackerman, C. (1995) "Affiliations: Structural Determinants of Differential Divorce Rates", *AM. J. Social Sciences*. pp 655-727".
- Blosfeld, B.H. (2004) "Causes and Consequences of Divorce, an Introduction to this Special Issue", *Journal of Divorce & Remarriage, USA*, vol. 4: pp 8-120.
- Doherty, H. William, (2007). "How Common Is Divorce and What Are the Reasons?" *Journal of Family Issues*, Vol. 29. No. 13, P ۶۳-۴۱
- Poleric, A. & Weilok, L. (2004) "Cause of Divorce and Effect on Children in Australia", *Journal of Sociology Australia. December*, Vol. 12, No. 11, 397-402.
- Kalmijn, Matthijs & Jansen, M. (2004) "Interaction between Cultural and Economic Determinates of Divorce in the Netherlands". *Marriage and Family*. V. 66, No.1, 75-89
- Spector, M. (1985) *The social science encyclopedia: A kuper and j. kuper editor*. PP 285-290.
- سگالن، مارتین. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: انتشارات مرکز. قاضی طباطبائی، محمود. (۱۳۷۱). *تکنیک‌های خاص تحقیق*، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- قطبی مرجان، هلاکویی نایینی کوروش، جزایری سیدابوالقاسم، رحیمی عباس. (۱۳۸۶). «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد»، *رفاه اجتماعی*، ش (۱۲) ۳، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- شعبانی، عین‌ا... (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. مرکز آمار ایران، *سالنامه‌های آماری کشوری و استان مازندران*، سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۸۱).
- ملفت، حسین. (۱۳۸۱). *بررسی عوامل مؤثر به گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.

